

ایران کنفرانس**جمعیت ایران ۷۷،۷۷۷،۷۷۷ نفر شد**

یکشنبه مورخ 6 مهر 1393 روی سایت مرکز آمار ایران ابزار جمعیت شمار این مرکز در ساعت 21:42 عدد 77,777,777 را نشان داد؛ هشت تا هفت که نشان می‌دهد این تعداد نفوس مستعد در کشور ایران زندگی می‌کنند. ملتی که دارای امید به زندگی بالایی 73 سال بوده و میلیون‌ها نفر جوان چشم به آینده‌ای دوخته‌اند که با مشغله‌هایی چون تحصیل، بیکاری به سمت پیری حرکت می‌کنند. به گزارش دنیای اقتصاد، طبق آخرین آمار مربوط به جمعیت ایران بر اساس سرشماری سال 1390 از کل جمعیت بیش از 75 میلیون نفری، 31/5 درصد را جوانان 15 تا 29 سال تشکیل می‌دهند؛ جمعیتی که به سرعت به سمت پیر شدن حرکت می‌کند. طبق سرشماری 1390، میزان سالمندی (افراد بالای 65 سال) 7/5 درصد بوده که پیش‌بینی می‌شود 40 سال دیگر 40 درصد جمعیت کشور را پیران تشکیل دهند. نگاهی به هرم سنی جمعیت کشور روند ساختار سنی را برای چند دهه آینده به خوبی نشان می‌دهد. قاعده بزرگ هرم که یک روز چسبیده به کف هرم بود، الان در میانه‌های راه قرار دارد و چند سال دیگر به سقف هرم می‌چسبد.

درمورد ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی جمعیت ایران می‌توان گفت که بر اساس سرشماری 1390 جمعیت ایران بالغ بر 75 میلیون نفوس با بعد خانوار 5/3 نفری و نسبت جنسی 102 بوده و در این بین تعداد جمعیت جوانان از همه بیشتر است. به علت ضد ارزش معرفی کردن سیاست فرزند کمتر در زمان قبل از انقلاب و سیاست‌های دهه 60 در کنار کاهش نرخ مرگ و میر، نرخ رشد جمعیت به رقم 3/91 درصد افزایش یافت که در دنیا کم‌سابقه بود.

با افزایش شتابان جمعیت به دنبال زاد و ولدهای دهه 60، دولت‌مردان در امر خدمات‌رسانی به این جمعیت مخصوصاً جمعیت جوان در حال رشد تا حدودی بازماندند و عدم برنامه‌ریزی کافی و نبود متخصص برای این قشر از جمعیت جوان، کم‌کم تشویق جمعیت برای کاهش فرزندآوری شروع شد؛ بنابراین در دهه 70 برای جلوگیری از رشد بالایی جمعیت و مشکلات ناشی از آن، شعار فرزند کمتر زندگی بهتر از ضد ارزش بودن خارج شد و جریمه عدم صدور کوپن برای فرزندان سوم به بعد و تبلیغاتی مثل تابلوهای کنار جاده و خیابان‌ها با دو بچه ماهی در شکم ماهی مادر به مردم معرفی شد. در نهایت نرخ رشد جمعیت به 1/4 درصد در سال کاهش یافت.

سوالی که مطرح است این است که آیا واقعا جمعیت ایران زیاد است؟ جمعیت ژاپن حدود 130 میلیون نفر بوده با مساحت حدود 378 هزار کیلومتر مربع یعنی 340 نفر در هر کیلومتر مربع؛ جمعیت ایران 77 میلیون نفر است با مساحتی بالغ بر یک میلیون و ششصد هزار کیلومتر مربع که اگر به خاطر جنگل‌ها و کویر ایران یک میلیون کیلومتر مربع را کنار بگذاریم، تراکم جمعیتی 130 نفر به ازای هر کیلومتر مربع به دست می‌آید. هندوستان با 1/2 میلیارد نفر از تراکم جمعیتی 330 نفری در هر کیلومتر مربع برخوردار است؛ بنابراین ممکن است پاسخ این باشد قدرت برنامه‌ریزی مسوولان جوابگوی این تعداد جمعیت نیست. هر چند قابل ذکر است که اصلا از دیدگاه جمعیت‌شناسی اثرات و تبعات ساختار جمعیت ارجح بر تعداد مطلق است.

به تعبیر اقتصاددانان این تعداد جمعیت آن هم جوان یک موهبت بوده و پتانسیل بزرگی برای افزایش تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه است؛ اما شغلی که عاید این جمعیت جوان شده است مشغولیت‌هایی مثل ادامه تحصیل در دانشگاه‌های ابداعی، افزایش ظرفیت‌های تحصیلات عالی و ... بوده است. در واقع برنامه‌ریزان با این کار بیکار بودن جوانان را به سنین بالاتر انتقال دادند. نگاهی به آمارهای عرضه و تقاضای نیروی کار، به ترتیب برای کل کشور و جوانان 15 تا 29 سال و مقایسه دو نرخ بیکاری کل کشور و جوانان 15 تا 19 سال این موضوع را تا حدی نشان می‌دهد.

یک تحلیل از بیکاری: یکی از مهم‌ترین اهداف سند چشم‌انداز 20 ساله کشور رسیدن به نرخ رشد سالانه 8 درصد همراه با کاهش نرخ بیکاری از 15 درصد در سال 1382 به 8/4 درصد در پایان برنامه چهارم توسعه؛ یعنی 1388 بوده است.

بررسی‌های صورت گرفته روی بازار کار ایران با استفاده از قانون اوکان (law s'Okun) نشان می‌دهد برای اینکه بیکاری

در هر سال یک درصد کاهش پیدا کند، تولید ناخالص داخلی باید سالانه 41/6 درصد رشد داشته باشد. در صورت تحقق نرخ رشد سالانه 8 درصد (هدف برنامه چهارم و پنجم توسعه)، نرخ بیکاری در حدود 3 درصد کاهش خواهد یافت که در بهترین حالت حدود 9 درصد یعنی همان برابر نرخ طبیعی بیکاری به دست آمده برای اقتصاد ایران خواهد بود؛ بنابراین، تلاش برای کاهش نرخ بیکاری به کمتر از این سطح دارای آثار تورمی خواهد بود که البته باید تذکر داد نرخ بیکاری طبیعی در ایران نسبت به عرف اقتصادهای جهانی بسیار بالاست. در خصوص بالا بودن نرخ بیکاری طبیعی، به دلایلی مثل بیماری هلندی اقتصادی ایران و وابستگی به نفت اشاره می‌شود. یکی دیگر از علل بالا بودن نرخ طبیعی بیکاری نیز به اختلاف فاحش بین شکاف اشتغال کامل با بالفعل برمی‌گردد. حال سوال این است که با پارادوکس‌ها و معضلات موجود در اقتصاد ایران، دولت‌ها چه می‌توانند کنند؟